

«تاریخ از پابین»

«تاریخ از پابین» به تعبیر متون عصر قاجار «تاریخ رعیت» است. رعیتی که نام و نشان و احوالش در هیچ کتاب رسمی تاریخی ثبت و ضبط نشده است.



سیدقاسم یاحسینی متولد ۱۳۴۴ است. عمده فعالیت این پژوهشگر در حوزه تاریخ شفاهی و تاریخ نگاری محلی و دفاع مقدس است. نگارش مداخلی از دایره المعارف جهان اسلام و دانشنامه بزرگ اسلامی و آرایه حدود ۱۳۰ مقاله به همایش ها و نشریات تخصصی تاریخ و نگارش ۷ جلد کتاب در کارنامه وی ثبت شده است. اودر سال ۱۳۸۸ و به مناسبت «روز پوشهر»، به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار این شهر معرفی و تجلیل شد. در اینجا یادداشت یاحسینی در خصوص تاریخ شفاهی رامی خوانید:

پرسش این است که معنی و مفهوم «تاریخ از پایین» history from below چیست و چه تفاوتی با دیگر انواع تاریخ‌ها دارد و اساساً چه فایده‌ای دارد و به چه کار می‌آید؟

نخست باید توضیح داد که مفهوم «تاریخ از پایین»، نوعی «روش»، «رویکرد» و «نگاه» به مقولات و مفاهیم تاریخی است و خود صرفاً نوعی «تاریخ» نیست. ما مکتب‌های مختلف تاریخی داریم که در ذیل آن‌ها، انواع تواریخ پژوهش و نوشته می‌شود. تواریخی چون تاریخ سیاست، تاریخ ارتش، تاریخ دولت، تاریخ قدرت، تاریخ دین، تاریخ اداری، تاریخ مردان نامی، و... اما همه این موضوعات ربط چندانی به «تاریخ از پایین» ندارند و بیشتر «تاریخ از بالا» به‌شمار می‌روند.

«تاریخ از پایین» اگر چه بر پایه یک سلسله اصول، فلسفه و بینش خاص بنا شده، اما خود فی‌نفسه «آگاهی تاریخی» تولید نمی‌کند، بلکه بینش و نگاهی است که منجر به تولید نوعی تازه از «آگاهی تاریخی» می‌شود. موضوع تاریخ از پایین، تاریخ زندگی توده‌هاست. زندگی عادی و معمولی، بدون قدرت و ثروت. چنین نگاه و دیدگاه تاریخی به انسان، جامعه و تاریخ در دنیای مدرن اسباب ظهور پیدا کرد و محصول رشد و تکامل علمی چون اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی نوین می‌باشد. بنابراین باید اعتراف کرد که «تاریخ از پایین» در پیشینه تاریخنگری و تاریخ‌نگاری ما ایرانیان، ریشه ندارد، هر چند می‌توان شواهدی در متون تاریخی کلاسیک و معاصر ایران برای آن جستجو کرد.

برای ملموس‌تر کردن بحث اجاه بدهید دو کتاب «تاریخ عمومی» و «تاریخ محلی» ایران در عصر قاجار را مثال زده و درباره آن‌ها اندکی بحث کنیم. دو کتاب «ناسخ‌التواریخ: بخش قاجاریه» (۱) نوشته «محمدتقی لسان‌الملک سپهر» و «فارسنامه ناصری» (۲) نوشته «میرزا حسن حسینی فسایی» را در نظر بگیرید. بیشتر کسانی که با تاریخ عصر قاجار آشنا هستند، احتمالاً این دو کتاب را دیده و شاید خوانده باشند. کتاب نخست یک تاریخ عمومی عصر قاجار است. لسان‌الملک سپهر در این کتاب تاریخ عمومی خاندان قاجار را از آغاز تا نیمه عصر ناصرالدین شاه قاجار روایت کرده است. بررسی و تحلیل محتوایی این کتاب نشان می‌دهد که تقریباً کلیه اطلاعات و داده‌های تاریخی آن مربوط به شاهان و شاهزادگان قاجار بوده و محور تاریخ‌نگاری، «قدرت سیاسی» است. در این کتاب، خبری از زندگی و روزگار توده مردم «طهران» و ایران در عصر قاجار نیست و هرچه هست، منازعات قدرت بین قدرت‌طلبان درباری، سرکشان محلی و سیاست

و جنگ‌های بی‌فایده است. محقق با خواندن دوره کامل ناسخ‌التواریخ هرگز نمی‌تواند حتی به طور اجمال، از روزگار مردم عادی و «رعیت» در عصر قاجار، اطلاعی به‌دست آورد. کتاب «فارسنامه ناصری» یک تاریخ محلی است که در بخش نخست آن تاریخ فارس بزرگ از ورود اسلام تا عصر ناصرالدین شاه با قلمی ساده و سهل روایت شده است. نگرش تاریخی و ماهیت مباحث اما چیزی فراتر از ناسخ‌التواریخ نیست. در این کتاب نیز خواننده با انبوه جنگ‌ها، لشکرکشی‌ها، شورش‌ها و منازعات نظامی بی‌پایان روبروست و باز خبر چندان از «رعیت فارس و بندار»، مگر در مواردی که سر به شورش می‌گذارند یا یکی از آنان «یاغی دولت» می‌شود، و احوال و روزگارش نیست. ضمناً در هر دو کتاب، زنان، آن هم بسیار محدود و کم پرتو، در حاشیه دربارها و تاریخ روایت شده‌اند. حتی عنوان کتاب دوم، «فارسنامه ناصری» به‌خوبی بیانگر محوریت «قدرت از بالا» و نگاهی فراتوده‌ای به تاریخ و تاریخ‌نگاری است. البته انتظاری هم نمی‌رود و نباید دیدی امروزی، به نقد و تحلیل فرهنگ تاریخ‌نگاری دیروز، که در کل «تاریخ از بالا» و «تاریخ قدرت محور» بود، پرداخت.

در چنین تواریخی، که شکل مطلق تاریخ‌نگاری ملی و محلی بود، «محور تاریخ» رجال و مشاهیر، اصحاب قدرت، علمای دین و منازعات و جنگ‌های بی‌پایان است. خواننده امروزی صفحات زیادی درباره چگونگی مرگ فلان پادشاه و به قدرت رسیدن دیگری یا شورش فلان شاهزاده یا سرکرده در فلان ولایت و شرح سرکوب آن‌ها می‌خواند، اما کمترین اطلاعی مثلاً درباره نظام تولید، شیوه زندگی روزمره رعیت و احوال زنان کوچه و بازار نمی‌خواند و نمی‌یابد. چنین تواریخی را «تاریخ رسمی»، «تاریخ قدرت» و «تاریخ از بالا» می‌توان گفت، شکل رایج و مرسوم تاریخ‌نگاری دنیای قدیم تا پیش از فرارسیدن مشروطیت به ایران و حتی در مواردی تا همین امروز!

در مقابل تواریخ رسمی، که همه سخن از پادشاهان، نخبگان و حاکمان است، در شیوه و نگاه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری «تاریخ از پایین» موضوع پژوهش و تاریخ، توده مردم به طور عام و نظام و امور زندگی روزمره آنان در فراخ‌ترین شکل ممکن است. «تاریخ از پایین» به تعبیر متون عصر قاجار «تاریخ رعیت» است. رعیتی که نام و نشان و احوالش در هیچ کتاب رسمی تاریخی ثبت و ضبط نشده و اساساً در بینش تاریخ‌نگاری سنتی، خودش و اشیا، پیرامونش، محلی از اعراب ندارند. فرضاً فلان رعیت کشاورز را در نظر بگیرد که در گلستان، شیراز یا بوشهر روی

تکه زمینی که از «خان» و «ارباب» اجاره کرده، کار و زندگی می‌کند. چنین رعیتی، تا زمانی که «یک رعیت عادی و معمولی» است، مطلقاً محل اعتنا برای مورخ رسمی نیست. فقط احياناً اگر سر به شورش برداشت، سرکوبش، آن هم فقط در چند سطر، روایت می‌شود! اما این رعیت چه می‌خورد، چه می‌پوشد، کجا و با چه نوع معماری زندگی می‌کند، لباس، پاپوش و سرپوش و زیراندازش چیست، چه می‌بافد، چگونه فکر می‌کند، چه زبان یا لهجه‌ای دارد، چه مناسباتی با همسر یا همسران و فرزندان دارد، از چه ابزارهایی برای کشاورزی و کار استفاده می‌کند، هنگام کار یا تفریح، چه چیزهایی زیر لب یا با صدای بلند زمزمه می‌کند، زنش چه نقش و جایگاهی در زندگی‌اش دارد، با خان و ارباب چه رابطه‌ای دارد، از مناسباتش با خان راضی است یا ناراضی، چه نوع اعتقادات مذهبی دارد، سفر می‌کند یا نه، زیارت می‌رود یا نه، در عید نوروز یا ماه‌های محرم و رمضان چه رفتار و آداب مذهبی در پیش می‌گیرد، هنگام غم یا شادی، تولد و مرگ عزیزانش چه واکنشی از خود نشان می‌دهد و... این‌ها از دید مورخان رسمی در گذشته، از جمله مسائل پیش پا افتاده و حتی مبتذلی بود که اساساً «شان» مورخ نبود که قلم و کاغذ را صرف نگارش چنین موضوعات «مهمل» و «بی‌فایده‌ای» کند!

شاخه‌ای از «تاریخ از پایین» که گرایشات فمینیستی دارند، علاوه بر رعیت، به دختران و زنان رعیت نیز توجه مرکزی و محوری دارند. در این نوع نگاه، این زن رعیت است که محور تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرد. موضوعی که متون تاریخی ما، سکوت کاملی در قبال آن پیشه کرده و اساساً زنان رعیت را به کل «داخل آدم حساب نکرده‌اند»!

بنابراین «تاریخ از پایین» نگاه و دیدگاهی است که از نادیده گرفته شدگان تاریخ، مغضوبان، محرومان، شکست خوردگان، زنان و دختران، بردگان و غلامان، خواجه‌ها و مُخنت‌ها، کُلَفَت‌ها و نوکرها، مهاجران، سیل یا خشک‌سالی‌زدگان، بدنام‌ها، بزه‌کاران، اعدامی‌ها، تبعیدشدگان و درکل کسانی که تا امروز در تواریخ رسمی حتی «دید» نشده‌اند، سخن می‌گوید. «تاریخ از پایین» از فرودستان و پایین‌ترین طبقات اجتماعی سخن می‌گوید.

اگر بخواهیم تعبیرات قرآنی به کار ببریم، «تاریخ از پایین»، به یک معنا «تاریخ ناس» و «مستضعفین» روی زمین است. تاریخ ذلیل شدگان، «ارازل الناس» و اوباش و بی‌پناهان و بی‌صاحبان است. تاریخ بی‌سر و پاها است! در یک کلام، تاریخ بی‌تاریخان است!